



چندفرهنگ‌گرایی در جامعه استرالیا

حامد محمدی سهدران^{۱*}، محمدعلی قاسمی ترکی^۲، رضا رحمتی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۲- استادیار، گروه اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

*- نویسنده مسئول، hamed.mohammadi9927@gmail.com

چکیده

تنوع فرهنگی و قومیتی مشخصه جوامع امروزه است. چگونگی مواجهه دولت‌ها و جوامع مدنی با این تنوع، به یک بحث اساسی و جذاب در مجامع بین‌المللی و علمی تبدیل شده است. برخی از کشورها، سیاست‌های به حاشیه راندن اقلیت‌ها و ایجاد موانع برای مهاجرت را اتخاذ می‌کنند. برخی دیگر از کشورها سیاست‌ها تسهیل مهاجرت و عدالت و برابری اقلیت‌های قومیتی را ترویج می‌کنند. به طور کلی هر سیاستی که تنوع فرهنگی را به طور مثبت ارزیابی می‌کند و یا مهاجرت را ترویج می‌کند، می‌تواند به عنوان چندفرهنگی طبقه‌بندی شود. استرالیا کشور خود را براساس مهاجرت برنامه‌ریزی شده و هویت ملی خود را براساس چندفرهنگ‌گرایی ساخته است. این پژوهش با هدف تبیین مفهوم کلیدی چندفرهنگ‌گرایی و بررسی تجارب ارزشمند استرالیا در زمینه چندفرهنگ‌گرایی و با روش کتابخانه‌ای انجام شده است. این پژوهش در ابتدا مقوله مهاجرت که یکی از مهمترین عوامل ایجاد تنوع قومیتی و فرهنگی در جوامع است، را بررسی کرده است. سپس به تبیین مفهوم فرهنگ پرداخته و در نهایت با بررسی تعاریف، سیر تحول و استدلال‌های مرتبط با چندفرهنگ‌گرایی، به بررسی چندفرهنگ‌گرایی در جامعه استرالیا پرداخته است. این پژوهش تاریخچه و سیر گذار استرالیا از استرالیای سفید، جذب و ادغام و رسیدن به چندفرهنگ‌گرایی، اصول چندفرهنگ‌گرایی در استرالیا و مؤسسات ایجاد شده مرتبط با چندفرهنگی در طی زمان و مأموریت‌های تعریف شده برای آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. استرالیا در زمینه چندفرهنگ‌گرایی تجارب ارزشمندی دارد و علاوه بر نقدهای وارد شده به آن توانسته یک هویت ملی و انسجام اجتماعی حول چندفرهنگ‌گرایی ایجاد کند. همچنین توانسته استعدادهای زیادی را جذب کند و از این طریق مشکلات ناشی از افزایش سن جمعیت خود را برطرف کند و شرایط اقتصادی خود را به میزان قابل توجهی بهبود ببخشد.

کلمات کلیدی: مهاجرت، فرهنگ، چندفرهنگ‌گرایی، استرالیا

۱- مقدمه

سیاست هویت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به ویژه در جوامع مهاجر سفیدپوست مانند کانادا و ایالات متحده، یکی از موضوعات مورد توجه عموم بود (کوبایاشی^۱، ۲۰۲۰). در این دهه‌ها شاهد ظهور جنبش‌هایی برای جبران ظلم تاریخی در طیف وسیعی از مسائل بود که با استفاده از مواضع و استراتژی‌های سیاسی زیادی بسیج شدند که آن‌ها به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: آن‌هایی که به دنبال جدایی رادیکال از جامعه غالب هستند و آن‌هایی که به دنبال به رسمیت شناخته شدن در جامعه غالب هستند؛ هدف گروه اول ایجاد اشکال جایگزین ناسیونالیسم است، در حالی که گروه دوم به طیفی از معانی چندفرهنگ‌گرایی متوسل می‌شوند (کوبایاشی، ۲۰۲۰). چندفرهنگ‌گرایی به دلیل قرار گرفتن در قلب بحث‌های جذاب و مناقشه برانگیزی پیرامون ملیت، شهروندی، تعلق، برابری و حقوق بشر، به یک اصطلاح رایج در گفتمان‌های

^۱ Kobayashi